

مطالبی که بایست بعرض رسانیده شوند!

هموطنان گرانقدر و محترم! شما بخوبی میدانید که قلم زدن و قدم برداشتن درین معرکه بازارمبهن زار و ملت از زندگی بی زار افغانستان عزیز ما، اگر از یکطرف لازمه احیای مجد د زندگی راستین و سربلندانه پارین پنداشته میشود ولی بعضاً و زمانیکه همچو قلم و قدمی حکم اظهار وجود خودی و یا جریحه دار ساختن قلب پاک سرشتی و انسان نازنینی هنوز و درست نا شناخته برای صاحب قلم را میگیرد یقین دارم نه تنها همه هم و غم و تپیدن های همچو انسان پاک طین را انگین زهرآگین می بخشد بلکه همه دوستان راستین همچو راد مرد باعزم آهنینی را که همه موجودیت خود را در خدمت وطن و وطندار وقف کرده است متلم و مغموم میسازد. البته انتقاد سالم و ابراز نظر بذات خود زندگی سازاست ولی وقتیکه ما طرف قابل تبصره و نقد خود را بدرستی نشناخته و قضاوت نا سالمی را برخوان مطبوعات همگانی عرضه میداریم، بنظرم به مثابه همان فیر و تیرهای هوایی است که همین اکنون فجایع و اخبار ناگوارش را از قرأ و قصبات وهرگوشه و کنار افغانستان ویرجن! با براه افتادن مراسم عزا داری های بی انتها؛ میشنوم که این راه و طریق مقبول خاطر اغیار و در تاریخ سرای وطن داغدار صد پارچه قوم پرور ما؛ امریست چنان خطا؛ که هم مانند حکم سنگسار طالبانی - پرتاب سنگین فرزند دل بندی را بسوی مادر گذشته از جانش؛ ناظر باشیم و چه درد آور است که آن سنگ نه بر جان بلکه بر شاخه رو به خشکیدن زندگی کهن مردان رزم آرای افغان در برابر کفر و الحاد و ظلم و استبداد پایان نا پذیری؛ منحصی زخم ناسوری بر سیر تاریخ زندگی ملت مریض، بی دارو و بی درمان ما اثرگذار باشد!

بهرحال با گذر از تخیل پروری و با تعمق بر نوشته ای از قلم توانای! مایه امیدیکه برای ما نسلهای درگذرگاه عمر بازم درد آور و بیخبر از واقعیتها پنداشته میشود! با توجهی بر دو سه نوشته و تبصره دختر عزیز و یا خواهر گرامی افغانم، میرمن یا پیغله نجیبه قانع با تبصره کجدار و مریزی (برنوشته عزیز گرامی ام جناب ولی احمد نوری که با عنوان **مفکوره تجزیه افغانستان خیانت ملی است** در پورتال افغان جرمن آنلاین به نشر رسیده و به نظر خواهی گذاشته شده) مرا وجیبتا وادار برآن ساخت تا به آن محترمه ایکه (با اشارتم بنام دختر و خواهر به ایشان؛ گمان دارم با سن کمتر از ۵۰ از چند دختر و پسر جوانتر باشند!) شخصیت ناشناخته ای؛ یعنی دوست عزیز و برادر گرامی ام جناب ولی احمد جان نوری را برای شان معرفی کنم تا بدانند که فیر هوایی و کنایاتی در تاریکی و بی خبری از واقعیت ها؛ چقدر آزار دهنده و درد آور است و گرچه جولان قلم خوش نویس شان درلطفه نزاکت پوشیده بوده اما باز هم بشکل کج دار و مریز و یا جنگ گریزی طوری ازین انسان والا جناب (محترم نوری) با نگوهری یاد کرده اند که **مجبوراً** مرا وادار ساخت تا (بی خبر و بدون پرسشی از خود شان در این ماه مبارک با صفا و با کرامت و ازینکه همچو امر حیاتی را وجیبه و لزوم دید مکلفیت وجدانی خود در برابر دوست با شخصیت و با ارزشم میدانستم که بیشتر از ۲۰۰۰۰ روز این زندگی آزموده شده موج و سراسیمه دوران، دوستی و علایق ناگسستی ماهرود را در بر میگیرد) نمونه ای از خروار ممیزات واقعاً انسانی بیش از نیم قرنه شان را که با شناخت راستین ولی جان نوری عزیزم و فامیل محترم شان، با اختصاری به این فرزند منوره خوش قلم افغان و دیگر دوستان گرامی ام در میان بگذارم.

با دوستی ام بمفهوم صمیمیت واقعی با ولی جان نوری که یقیناً اسم با مسما بوده و هستند و نشیب و فرازهای زیادی را در زندگی رسمی و شخصی شان شاهد بوده ام مارا بسالهای میکشانند که ایشان با برادر ۶ سال خورد تر ازمن (مرحوم وکیل احمد جمیلی متوفای سال ۲۰۰۷) شاگرد های هم صنف صنوف ۱۰/۹ لیسه عالی استقلال بودند و در حالیکه خودم محصل پوهنخی حقوق و علوم سیاسی پوهنتون کابل بودم با برادر بزرگوار شان جناب مرحوم عبدالحمید نوری رئیس دستگاه برق سروبی هم میشناختم و تا امروزیکه از آن ایام بیشتر از نیم قرن میگذرد هم چنانیکه هریک ما با کوچ و بلوچ فامیلی بر کشتی موج وطن طوفان زده بهرسو سرگردان بوده ایم تار و پود دوستی و روابط را نیز مستحکمتر و مقاوم تر ساخته ایم که اینک این ودیعه را به بسیار صفا و صمیمیت به بازماندگان خود نیز انتقال داده و استحکام بخشیده ایم.

چون درین لحظه هدفم را معرفی بیشتر و بهتر و صادقانه تر ولی جان عزیزم تشکیل میدهد شما دوستان راهم به همان سوی میکشانم که با فراغت از لیسه و ذوق بسیار برای تحصیلات عالی، وی را بدامان پاریس تخیلی انداخت و با ختم تحصیلاتش در امور مخابرات در رشته تیلی کمیونیکیشن برای خدمت وطن در چوکات وزارت مخابرات آماده وظیفه داری شد. بعد از چند سالی و رسیدن به کرسیهای با مسؤولیتی- از امور دولتی فاصله گرفته به

امور شخصی اشتغال یافت ولی در هر حالت ؛ چون با فضای متشنج سیاسی همان وقت هم سازش و بستگی نداشت و جریانات دو جانبه راست و راستگرائی های افراطی و چپ چپگرائی را ضد منافع ملی تشخیص میداد و از گفتن حقیقت و حقایق بیم و هراسی نداشت تا زمینه را در ماحولش چنان ضیق ساختند که با کوچکترین دسیسه و دسیسه انگیزی پای او را به محکمه نظامی کشانیدند که با وقوف کامل بموقف حساس شان (تا جای آگهیهای قرین به یقین!) به حکم اینکه : عدو شود سبب خیر اگر خدا خواهد! - دو جریانی بمیان آمد که یکی روشن سازی صادقانه ذهنیت جناب مرحوم دوکتور عبدالمجید وزیر عدلیه وقت بر اصل قضیه و ابطال قبل از تفویض سزای اعدام بی موجب ایشان و دومی هم رساندن خبر محرمانه چپی ولی با وجدانی به او بود که خوب بیاد دارم که روزی بدیدنشام رفتم بسیار پریشان بود و گفت که نمیدانم چه کنم خبریدی دارم و فقط ۴۸ ساعت دارم و باز همان سرنوشت من و دار منکران دین و افغانیت! - داستانش شنیدم و راهی هم نبود که باید بیرون کشید ازین ورطه رخت خویش!! و چنان شد تا بعد از درد سرهای با خانم و اطفال خود به پاریسی رسیدند که این مرتبه با درد و نا ملایمات در همان شهر خوب آشنا توأم بود که باز تهداب زندگی را از نو ریخت. اما چون درد جانکاه وطن همیشه گریبان گیرش بود از دادن دست برادرانه اش بهر پناهنده بی سر بی سرنوشتی دریغ نکرد و حتی پشاور نشینان جهاد گردان هنوز در دور امتحان خدمت بمیهن از کمک و خدمت و واریسی همه جانبه او بی بهره نماندند مگر با یک علو نفس و راستیکه این انسان بلند مرتبت در هیچ امری، بنام هیچ رسم و راهی چشم امیدی بدست و کیسه کسی برای گرفتن اجرت مادی به شخصی؛ و صاحب منزلتی نداشته و جان و مال و ماوی کوچک فامیل خود را خدائی خدمتگاران محضاً لله وقف این هدف افتخار بخش افغانیت نموده و بچندین مراتب موسسات فرانسوی را وادار به انتقال اطفال و زنان و معیوبین جنگ های خانمان سوز افغان به پاریس کرده و خود امور ترا نسیپورتی و ترجمانی و حتی اقامت مؤقتی شان را در محوطه کوچک فامیلی خود و آنهم همه مجانی و بنام خدا و پاس افغانیت متقبل شده اند و هنوز هم میشوند تا ازین راه هم خدمتی بمردم خود کرده باشند.

بطور مثال دو طفلی را که در هجوم عساکر غدار روس در جلال آباد پدر و کاکا و برادر کلان خود را از دست داده و خود شدیداً مجروح بودند بنام های سید احمد ۹ ساله و مراد ۳ و نیم ساله را سوراخی در قلب و مشکلی در رابطه قلب با شش خود داشت از کمپ های پاهندگان افغان در پشاور به پاریس آورده و قلب هردوی شان عملیات شده و برای ۳ ماه خود، همسر و دختران شان خدمت آنها را کرده و نگذاشتند که لحظه ای دوری مادر رنج کشیده و فامیل در بدر خود را بیاد بیاورند و بالاخره هردوی شان از مرض مهلکی نجات یافته با صحت ، دوباره به آغوش خانواده های شان برگشتند که تا حال هم با ایشان در تماس دائمی میباشد.



عکس دوم

ولی احمد نوری در عقب اتاق عملیات
شفاخانه اطفال پوهنتون پاریس



عکس اول

سید احمد و مرید در آغوش ولی احمد نوری
در منزلش بعد از عملیات و شفا یابی

خداوند توانا با همین سن و سال و خود مریض و معیوب ؛ مدد گارش باشد و بوده که در واقعیت (ولی احمد شدن با نور ایمان افغانیت) را که کار بسیار محال است نصیب هرکسی کند و من خودم با تمام اعترافات به کوتاهیایی در زمینه چنین می پندارم که همچو انسان با صفاتیکه افغانستان را با حریت همه جانبه و با تمامیت ارضی اش جزو ایمان پاکنهادانه خود بشمارد و چنین ببصدا و گمنامی که جوانان منورمانند محترمه نجیبه جان قانع از موهبت باطنی او خبر نداشته و وی را در کفه ترازوی اعلیحضرت مرحوم محصل استقلال افغانستان (استهذاً قرار میدهند!) جایی برای گفتن و مطالبی برای نوشتن نمی گذارد. یقین کامل دارم که اگر محترم نوری، امروز مانند منورین قلم بدست منتظر به راه گیری و همیشه خموش! در برابر خورده فروشان مسلکی وطنی تا غاصبان بین المللی امتیازات و حقوق مردمی ما ؛ که خاموش اند! و درد خود را بهمان داروی مهلک خموشی قانع جان ما تسکین می بخشید به

د پائو شمیره: له ۲ تر 4

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرو مخکې په خیر و لوی

یقین مانند پهلوانان ماهیچه خور ملت و غنوده بر زانوی اغیار او هم میولتی میولتی میلیونری می بود که کفن پاک افغانیت بر جسد کثیف شان میگرید! ولی او استغای واقعی افغانیت و شخصیت والای آدمیتی را داراست که گنجینه عالم برده خر و برده باش را نه تنها به پیشیزی نمی خرد بلکه چلوصافش را در چهار راهای جهان انسانیت برملا میسازد و اگر قانع جان عزیز در وقت مصاحبه شان با محترم عباسی در تلویزیون پیام افغان در مورد سوالی که چرا شما این صدا را و قبل از همه بلند نمودید و مرام تان چه بود؟ (که این مصاحبه هنوز در پورتال افغان جرمن آنلاین موجود است) محترم نوری صادقانه و با یک جمله مختصر جواب دادند **(بخاطر عشق بوطنم و بس)** و به نظر شما همین کافی نبوده و نیست که بی موجب خدا ناخواسته درین دریای الم و غم رقم زدنها؛ فردای زادگاه شما را زیر سوال میبرند ولی شما لطفاً نقش مگس دوغ را بازی نکنید و نه به آن خادم وطن هم توهین !!! و اگر کاسه به کوزه خورد و انگشتی برنظر شما شد! فوراً استغای خود را برخ همه کشیده و فکر میکنید همه قافله وار بدنبال شما سر شیو بلدی جنت؟ روان میشوند!!

قانع عزیز! امروز نه موقف کمکهای سوسیال و اروپا و امریکای فارغبال از هم و غم افغانیت؛ درد شما را دوا میکند بلکه مشعل برداری و بدرقه راه صدای شجاعانه یگانه زن افغان (یعنی ملالی جان جویای سعادت طلب راستین زن افغان و دندان شکن جخادیون پارلمان گردان) که منحنی پیامبر بی مریدی معیار آینده سنجی و موفقیت زن افغان را به تنهایی تمثیل میکند؛ بایست شما قانع جانهای شایق قلم تان؛ ملالی و ناهید وار مشعل بردار او شوید و والاتر از آن و نه تیشه زدن به پای کاکای سر بلند مبارز تان!

نجیبه جان عزیز (گرچه به نظرم قانع بودن تان به صف آرائی قلمی و باز خدا حافظی خون گرمانه؛ با این تهور و توانمندی قلمی شما سازگاری ندارد! ولی من با رفع درد سر شما و قطع طول کلام همین یک نمونه دیگری از ثمر عشق ولی جان عزیزم به نسل جوان و بوستان وطن و وطندارانش را عرضه میدارم که امید است آنرا با دقت بخوانید :

این انسان پاک نهاد افغان ملی گرا، نه قوم پرست و نه جبهه دار و نه تفرقه طلب مذهبی! با رسیدن به پاریس و دست ترحم کشیدن بر مهاجرین و جوانان بی پناه افغان، متوجه جوانی شد که با مواصلت به پاریس بیکران در جستجوی آینده درخشان و در تلاش نیست که بازوی توانای غمخوری یافته و از مزایای آن زمین مهد دانش و فضیلت و مدنیت استفاده اعظمی بنماید و ولی جان نوری هم فرشته نجاتی شد که نه تنها او را رهنمون بلکه تکیه گاه بی چون و چرا در همه امور و تا زمانی شد که آن جوان ساعی و زحمت کش هم این بار سنگین تپیدن در زندگی در پاریس را تا گرفتن دیپلومه های عالی علمی به پیش برده و سپس با چانتۀ پُر از علم و دانش و تجربه رهسپار افغانستان شده و تا امروز مواهبی را داشته و راستی از صمیم قلب و با پاکی در وطن خود خدمت مینماید که ولی جان نوری محترم هم از آن مزایای آن معنا لذت میبرند و ایشان هم انسان نیک و قدردانی هستند که این دوست گرامی مارا بنا م **((پدر))** خطاب میکند که این موهبت و شیرین کامی ولی جان عزیز متکی به نقد فداکاری وطن دوستانه بی آلیشانه او درگذر از تنگنای مبارزانه وطن خواهانه اش است ولی متاعی نیست که از دخل کیسه بران جخادی و خزینۀ صرافان پشاور حمید گلی و یا مشهدی نژاد شاگرد یا اپوزیسیون بازی های تماشاجی چشم چران بدنام و سرگردانی؛ آنهم از قیمت روزی ملت گدا و فقیر افغان و یا داد و دیش بیگانگان مفسد فی الارض رنگ و رونق گرفته باشد.

که اگر در خانه کس است همین یک حرف بس است!

و در اخیر من باب ختم کلام ستوده با شما، محترمه نجیبه جان قانع! بنا بر ایمان کاملی که بر اسلامیت و افغانیت صادقانه شما دارم با در نظر داشت این ماه برکات و صد قاتی که اگر طالب است و یا مطلوب و صرافان جهادی خود ماست تا اپوزیسیون و یا همسایه های بدتر از کفر و الحاد؛ و یا دغل دوستان مدعا طلب بیرونی هیچ یک حاضر نیستند که کارد قصابی کشتاردسته جمعی نسل مظلوم بی دفاع افغان را به غلاف و نیام بزنند - و با آنکه میدانم که شما خوب واردید! باز هم چند ترجمۀ آیات مقدس قرآن پاک را که مرتبط به روزگار بدماست پیش میکنم و شما خود خواهید دید که ما کجائیم و احکام آدمیت بکجا و ما بکدام سو غلتانیم تا بنیاد راستین اسلامیت چه عالی و در طریق اشرف المخلوقات ساختن ماست!

۱- آیه مبارکه ۱۲ سوره الحجرات پارۀ ۲۶ میفرماید: ای مردمان ما آفریدیم شما را از یک مرد و یک زن و گردانیدیم شمارا نژادها و قبیله ها که **با هم آشنا شوید** به تحقیق گرامی ترین شما نزد الله پرهیزگارترین (مؤدب ترین) شماست به تحقیق الله به همه چیز دانا خبردار است.

۲- قسمت وسط آیه مبارکه ۳۷ سوره الشورا پارۀ ۲۵ میفرماید: و کار ایشان مشوره کردن است باهم.

۳- آغاز آیه مبارکه ۱۰۲ سوره آل عمران پارۀ ۴ میفرماید: چنگ افکنید به رسن خدا همه شما و پراکنده شوید.

در آیه مبارکه اولی لزوماً که باهم آشنا شوید را بخاطری برجسته تر نوشته ام که خداوند در لفافه همین کلمات بما امر شناخت باهمی، دوستی، برادری و برابری و همدردی و تمام محاسن انسانی را درحالی هدایت میدهد که از استادان جامع الازهر خوان و عربی دان و مجاهدان نفسانی و اکثریت تام چیز فهمان دگری دار ما جز بی احترامی و بی اطاعتی به آن احکام روشن و صریح؛ چیزی دیده نشده و عملاً درین ۳۰ سال شاهد آنیم که همچو حکم مقدس و با مفهومی را فاسقانه؛ با بهم بجنگید - قساوت کنید - بریریت کنید - چور و غارت کنید - جنایت و شماتت و هزار ان حماقت اخوان الشیاطینی و وطن فروشی کرده و دود از دماغ نسل نسل افغانیت بکشید تا در آینده در مقابل دشمن وطن و دین خود و در برابر کفر و الحاد مقاوت نکنند!! و ذهی خفت!

و همچنان آنانیکه در زیر چتر و سایه دو آیه مبارک دیگر، در خانه های پارلمانی ملت خود بی صلاحیت جا گرفته اند چه در شورای ملی و مجلس اعیانیکه واقعاً اعیان بودن! خود را خوب تمثیل می کنند بهر راهی روان اند بجز اطاعت به احکام خداوند توانا! و شما هم در برابر ایشان مهر برل لبید و فقط آماده تاخت و تاز بر یک انسان والا

خداوند هادی مددگار تان

د پائو شمیره: له ۴ تر 4

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنی د لیکنیزی بنی پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرو مخکې په خیر و لولی